

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دگرمن احمد کندهاری

۲۳ مارچ ۲۰۱۹

دو اردوی رقیب و متقابل (افغانستان-پاکستان)

۴

به ادامه گذشته:

خواستم این قسمت را با چند بیت منسوب به "حافظ شیرازی" آغاز نمایم که خیلی ها بر شرایط مهین ما وفق دارد و اکثراً روشنفکران و نویسندگان با آن آشنا هستند و حتی به مثل مردمی ورد زبان ها گردیده است:

این چه شور یست که در دور قمر می بینم همه آفاق پر از فتنه و شر می بینم
هر کسی روز بهی می طلبد از ایام علت آن است که روز بدتر می بینم
ابلهان را همه شربت گلاب و قند است قوت دانا همه از خون جگر می بینم
اسب تازی شده مجروح زیر پالان خر طوق زرین همه در گردن خر می بینم

شرایط کنونی وطن طوری رقم خورده که باید از افتخارات تاریخی، حماسی مبارزان ملی و آزادیخواه وطن آموخت؛ بناءً پیوسته به تحلیل اوضاع مختنق استعماری کنونی در تباری به عناصر فروخته شده و پوشالی از اوراق تاریخ چند سطری یادمانی نمودم اگر هم تکرار باشد به دور از فایده نخواهد بود.

از مشاهدات عملیات های محاربوی داخل مرزی اردو و شرایط کنونی افغانستان چنین استنباط می شود که در مقایسه با ساختار و نورم های نظامی اردو های جهان، اردوی افغانستان به طور متفاوت از دیدگاه پایه مردمی در حاشیه و انزوای نظامی قرار گرفته، که خلاف اصول و رسم سنتی جامعه افغانی می باشد؛ طوری که اردو های افغان در ادوار تاریخ سیاسی و نظامی بر اصل دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور و غیر وابستگی شکل می گرفت، که می توان از اردو های قومی حین دفع تجاوزات اول و دوم انگلیس بر افغانستان و جنگ آزادیخواهانه عصر امانی در تاریخ معاصر به ویژه جنگ عادلانه گوریلائی (پاربیزانی) بر بنیاد ساختار جمعی مردمی یک دهه مبارزه و جنگ علیه اشغالگران سوسیال امپریالیزم و حکومت دست نشانده «خپ ها» یادآوری آنها از زمره افتخارات حماسی مردم ما می باشد؛ باید متذکر شد که نقطه عطف (کودتای خونین هفت ثور) بود که اردو از مردم نا خواسته فاصله گرفت و به اجبار از پایه مردمی خویش منزوی گردید که به اشغال کشور توسط ارتش سرخ «اتحاد شوروی» انجامید؛ و اداره امور اعم از ملکی و نظامی به «مشاوران» بی حد و حصر قوای اشغالگر سپرده شد.

بعد از سقوط دولت حزبی «خپ ها» در نتیجه شکست و عقب نشینی قوای اشغالگر روسی، سلطه قدرت دولتی توسط اداره تنظیمی تحت رهبری «احمدشاه مسعود» در تبنانی به خواست های ستراتیژیک نظامی پاکستان، باقی مانده های اردوی افغان متلاشی شد؛ سلاح های خفیه و ثقیله توأم با امکانات تخنیک محاربوی توسط تنظیمی های خیانت پیشه به یغما رفت.

ولی در زمان امارت طالبی تا یک اندازه سلاح های ثقیل و خفیف اردو با پرسونل آن جمع آوری و تا یک حد به ساختار اردوی نیم بند و نمایشی سعی به خرج دادند که امکانات مالی و تأمیناتی محاربوی امارت طالبی بسیار ناچیز و در حد صفر بود، متأسفانه که همین داشته های ثقیل و خفیف تسلیحاتی در زمان سقوط امارت اسلامی طالبان توسط یورش برق آسای طیارات قوای اشغالگر امریکا و کشور های متعهد و هم پیمان به امریکا (ناتو) به کلی محو و نابود گردید به شواهد عینی تفنگ های کلاشینکوف اردو بعد از جمع آوری توسط تانک های اشغالگران تخریب می شد.

به همین منوال اردوی موجوده افغانستان از بُعد وابستگی بر مبنای خواست استعماری امریکا، انگلیس و پیمان نظامی ناتو ناقص شکل گرفته که فاقد معیار های تشکیلاتی، تخنیک محاربوی و جزو تاهای سلاح ثقیله و قوای هوایی و مدافعه هوایی می باشد؛ متأسفانه فضای کشور هم اشغال شده و در گرو سلطه قوای اشغالگر قرار دارد.

طوری که در این مورد بار ها متذکر شده ایم پایه های اعمار اردوی موجوده بعد از سال ۲۰۰۲ با یک چوکات تشکیلاتی ساده و غیر مسلکی از کادر های وابسته و ملیشای تنظیمی موازی با مافیای قدرت توسط گردانندگان قوای اشغالگر شکل داده می شود و توأم با آن جنگ داخلی و تحمیلی در بعد جدید آن شکل گرفت و آتش جنگ شدت گرفت که همه روزه مردم زحمتکش و بی دفاع قربانی همین توطئه های نظامی و سیاسی امپریالیستی و مزدوران داخلی هستند و به علاوه، این شرایط نا امن سبب فقر و بیکاری، خشونت و فرار از وطن گردیده است.

طبق گزارش اخبار نیویورک تایمز در رابطه به جنگ افغانستان اشاره نموده که این یک طولانی ترین جنگ امریکا در منطقه بدون دست آورد بوده؛ و می نویسد امریکا در جنگ هفده ساله علیه تروریزم مبلغ «۴،۵» تریلیون دالر به شمول مصارف متقاعدین و معلولین جنگ الی ختم سال «۲۰۱۸» در شش کشور جهان که شامل هشتاد ملیت جهان بوده هزینه نموده؛ که افغانستان هم یکی از جمله همین کشور ها می باشد.

در رأیدهی مجلس سنا و کنگره برای تصویب بودیجه مصرف جنگ تنها نماینده ایالت کلفورنیا «Barbara Lee» با دادن رأی مخالف چنین استدلال نمود؛ غلطی جنگ ویتنام بایست تکرار نشود اکنون هم این یک جنگ ناتمام و طولانی ظالمانه به غلط ادامه دارد، که اضافه از «۲،۷» میلیون نفوس امریکا دخیل جنگ بود؛ و از آغاز سال ۲۰۰۱ م نزدیک به ۷۰۰۰ کارگر و تقریباً ۸۰۰۰ قراردادی های خصوصی به قتل رسیده اند، و به تعداد ۵۳۷۰۰ نفر از جنگ برگشته اند که معلول، زخمی و مریض های روانی هستند، از جمله یک میلیون عساکر برگشته از جنگ که علیه «تروریزم» جنگیده اند معاش معلولیت از دفتر واقعیات متقاعدین جنگ برای شان تأدیه می شود. نیویورک تایمز ادامه می دهد در زمان کشته شدن «بن لادن» سال (۲۰۱۱) م ۱۳۰ هزار عساکر امریکائی به شمول ۵۰ مملکت ناتوئی در افغانستان با طالبان در حال جنگیدن بودند و برای تشکیل اردوی ملی افغانستان کار می شد تا خود کفا باشد. فعلاً (۱۶۰۰۰) نفر از عساکر ناتو از ۳۹ کشور جهان و (۱۴۰۰۰) نفر عساکر امریکائی در افغانستان مشغول جنگ هستند.

سازمان اطلاعاتی یک رپورت در ۴۲ صفحه منتشر نمود و تنها یک پاراگراف آن به جنگ افغانستان مشخص گردید...

تبصره نویسنده به ارتباط ارقام فوق :

دولت امریکا هیچ گاه آرزو ندارد که افغانستان در مقابل پاکستان دارای یک اردوی پیشرفته ، متشکل و خود کفا باشد ؛ ولی به ارتباط اهداف ستراتیژیک ژئوپلیتیکی آن در منطقه آسیای میانه و مرکزی دسترسی به پایگاه های نظامی بوده که داخل جغرافیای سرزمین هندوکش توسط خائنین و وطن فروشان داخلی برای امریکا به آسانی به قیمت ارزان تحت نام فریبنده پیمان امنیتی تصویب گردید . از گزارشات و ارقام مصرفی امریکا چنین استنباط می شود که در جنگ تحمیلی استعماری اشغالگران بر مردم افغانستان ، صلح مطرح بحث نبوده بل امریکا به اصطلاح مردمی با ساختن یک « بینی خمیری » پایش را از صحنه جنگ می کشد تا مصارف جنگی خویش را بکاهد ، ولی پایگاه های نظامی آن پابرجا و به هیچ صورت حاضر به عقب کشی آن نخواهد شد ؛ و شرایط ناهنجار داخلی در بین مافیای قدرت و گنگ بودن طرز آمدن طالب به قیمت جان و مال مردم ، این حکومت پوشالی تحت نام دموکراسی نمایشی ادامه خواهد داشت . این نوع تجربه های تاریخی در افغانستان از شکست و عقب نشینی انگلیس ها تا خروج قوای سوسیال امپریالیزم روسی تکراراً تجربه شده که عواقب آن بد از بدتر بروز نموده است.

ولی پاکستان به بهانه متحد امریکا در جنگ علیه تروریزم بین المللی ، امتیاز یک اردوی اتومی و راکت های بالستیک دارای کلاهک اتومی به اضافه یک قوای هوایی و مدافعه هوایی مقتدر دارای سد لایزری و راداری در منطقه از آن خود کرد ؛ و در رقابت نظامی با هندوستان موازی به پیش می رود ، طوری که در رقابت با هندوستان راکت های النصر ساخت پاکستان را به کمک چین و روسیه که از نوع میان برد و نزدیک برد بوده در روز ملی ۳/۱۷/۲۰۱۸ در رسم گذشت قوای نظامی به نمایش عام قرار دارد ؛ این راکت بالستیک را که دارای برد ۶۰ الی ۷۰ کیلومتر می باشد در ۲۵ جنوری ۲۰۱۹ آزمایش نمود ، در مقابله به این آزمایش نظامی کشور همسایه پاکستان (هندوستان) تحت یک قرارداد ۵.۴ بلیونی با ماسکو اقدام به خرید راکت های بالستیک (اس ۳۰۰ و ۴۰۰) از روسیه فدراتیف نمود ؛ این راکت ها قدرت تخریب اهداف هوایی و ضد راکتی را دارا بوده به علاوه اهداف زمینی دارای قدرت تخریب چندین هدف در یک زمان در مسافتات ۳۰ الی ۴۰۰ کیلومتر می باشد .

طبق گزارش «رویتزر» تبلیغات تهدیدات هند و پاکستان در استعمال این راکت ها بعد از حادثه کشمیر علیه یکدیگر اوج گرفته که پاکستان اعلام نمود که در مقابل یک فیر و پرتاب راکت بالستیک هند بالای خاک پاکستان ، ما با سه فیر جواب خواهیم داد .

ولی پاکستان در مورد افغانستان هراس از مردم جنگجو و استقلال طلب آنها دارد ، که بدین ملحوظ در مدت زمان چهار دهه جنگ به غرض آینده نگری فعالیت های استخباراتی زیاد جهت تربیت اجنتان به خصوص خویش انجام داده اند .

در سرآغاز این مبحث از سلحشوری و روحیه آزادمندی مردم و سابقه تاریخی تذکار به عمل آمده ، بناء برمی گردیم به صفحات تاریخ اردوی ملی افغانستان . در گذرای آزمون تاریخ با داشتن امکانات ابتدائی تخنیک محاربوی در یک تشکل نیرومند مردمی و قومی پیروزمندانه تاریخ ساز بوده ، احمدخان ابدالی با بنیانگذاری یک اردوی مستحکم « ملی - قومی » توانست افغانستان یا « خراسان » آنروزی را به یک امپراتوری بزرگ در منطقه وسعت بخشد .

بعد از ختم دوره احمدشاه ابدالی پسرش تیمور شاه نتوانست از دست آورد های پدر « احمدشاه بابا » نیرومندی اردوی ملی را بر اساس اتحاد مردمی گسترش دهد ؛ در تداوم سلطنت خاندانی سدوزائی ها الی بعد از ختم دوره پادشاهی شاه زمان سدوزائی که منجر به کوری چشم او هم شد ، شاهزادگان وابسته به آنها در رقابت های سلطه جویانه تباری فضای تهاجم دولت انگلیس را از خاک هند بریتانوی بر حریم ژئوپلیتیک « خراسان » وسیله گردیدند ؛ و دولت هند



بریتانوی برای مستعمره نمودن خراسان زمین و جلوس شاه شجاع درانی منحیث دست نشانده از یک نیروی عظیم نظامی با داشتن سلاح های ثقیل بر حریم کشور افغان « خراسان » تعرض نمود . به گواه تاریخی قوت مادی محاربوی قوای امپراتوری شاهی بریتانوی به نسبت اردوی ملی - قومی (مبارزان مدافعان استقلال و تمامیت ارضی افغانستان) طبق

محاسبات نظامی نابرابر بود ، و از نظر کمیت ارتش انگلیس ها تفوق نظامی داشت .

ستراتیژی مستعمراتی انگلیس ها طوری بودی که برای اداره مناطق مفتوحه اش از شخصیت های ضعیف النفس و مزدور منش و یا هم شکست خورده استفاده ابزاری می نمودند ، که درین برهه زمان شاه شجاع فراری وزندانی در هند بریتانوی بهترین گزینه انتخاب امپراتوری بریتانوی بود .

انگلیس ها در مقابله و دفع حملات پیشروانه تزارهای روسی از طریق غرب (خراسان) به سمت هرات هراس داشتند و غرض دفع پیشروی تزاری ها به استقامت قاره هند کمر به استیلاي خاک افغانستان بستند ؛ برای این منظور یک ارتش منظم مختلط از مردم بومی منطقه و افسران کارکشته انگلیس مسلح با سلاح های سنگین و خفیف محاربوی شامل سواره نظام و پیاده نظام دارای تأمینات لوژستیک بزرگ با عمله و فعله نظامی تدارک ورزیدند .

در قدم نخست یک قوت « ۴۸۰۰۰ » نفری مسلح با ۵۴ ضرب توپ و « ۸۰۰ » نفر توپچی « ۳۴۰ » نفر استحکام چی (سوپرمن ها) تحت قومندانی شهزاده تیمورپسر شاه شجاع از طریق سند به صوب افغانستان « خراسان زمین » مأمور حرکت شد .

قوت دوم لشکر « ۶۰۰ » نفری مسلمانان امدادی سکهای پنجاب با قوت های خودی سکها که متشکل از « ۱۵۰۰۰ » نفر و مسلح به « ۱۶ » توپ ، « ۱۴۰ » توپچی و « ۲۵۰ » نفر استحکامچی راهسازی بودند .

مجموع این سپاه بالغ می شد بر « ۵۴۱۵۰ » نفر دارای « ۱۲۰۰۰ » کارکنان لوازم و تأمینات محاربوی با « ۳۰۰۰۰ » اشتر باربر .

« جیمز هانت » متخصص تاریخ نظامی در مجله تاریخ « مبتنی بر تحقیقات امروزی » شماره اکتوبر ۱۹۵۹ راجع به تجهیزات و عمله ارتش متجاوز انگلیس می نویسد :

هر مرد جنگی انگلیس یک نوکر ، هر فیل دو مهتر ، هر جزو تام دو سقاء - ده اشتر باربر ، هر آسپ یک مهتر ، هر ۱۶ سپاهی یک طباحی ، هر سه اشتر یک ساربان و آسیابانان ، نانوایان ، قصابان ، خیمه زنان ، کاسب ، فروشندگان بر این اردوی مجلل افزوده می شد . اما افسران انگلیس هر افسر « ۱۰ » اشتر یک اربابه گاو میشی پنج اسب سواری دو یابو تقریباً « ۴۰ » نفر عمله و فعله داشت . بعد ها خانم های انگلیس با تعدادی از کنیزان ، غلامان و تخت روان با تجمل فراوان داخل مهمانخانه های افغانستان شدند .

سیلی ملخ وار بر افغانستان هجوم آوردند .

انگلیس ها به مردم افغانستان وانمود می نمود که افغانستان مستقل است .

منبع افغانستان در مسیر تاریخ اثر ماندگار روانشاد غبار مؤرخ شهیر .

این فریب و نیرنگ امپراتور های استعماری در چندین دوره تاریخی تکرار گردیده الی اکنون (۲۰۱۹ م) مطابق (۱۳۹۷ ش)

این مبحث یعنی دفع تجاوز انگلیس بر افغانستان قربانی ها و قهرمانی های اردوی ملی و قومی افغانها را در قسمت
های بعدی خواهم نگاشت:
دگرمن احمد کندهاری .
۲۰ مارچ ۲۰۱۹